



کتیبه‌های ماندگار:

بنیادهای مادی کتابت و فرهنگ مکتوب در تمدن اسلامی

تألیف: داود رنجبران

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر ایرن

۱۴۰۴

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی

نام کتاب

تألیف

طراح یونیفورم جلد و صفحات

صفحه آرا

چاپ اول

شمارگان

قیمت

قطع

شابک

ناشر

رنجبران، داود، ۱۳۴۲-

کتیبه‌های ماندگار: بنیادهای مادی کتابت و فرهنگ مکتوب در تمدن اسلامی / تألیف داود رنجبران.

تهران: دانشگاه هنر ایران، ۱۴۰۴.

۲۷۳ ص.

۹۷۸-۶۲۲-۱۴۲۷-۱۲-۳

فیپا

کتابنامه: ص. ۲۶۸-۲۷۳.

کتیبه‌های اسلامی -- ایران

Inscriptions, Islamic -- Iran

کاغذ -- ایران -- تاریخ

Paper -- Iran -- History

کتیبه‌های باستانی -- ایران

Inscriptions, Ancient -- Iran

هنر اسلامی -- ایران

Islamic art -- Iran

دانشگاه هنر ایران

NK ۱۲۷۲

۷۴۵/۴۴۲

۱۰۴۳۳۵۱۲

فیپا

کتیبه‌های ماندگار: بنیادهای مادی کتابت و فرهنگ مکتوب در تمدن اسلامی

داود رنجبران

مهدی نصیری

مهدی نصیری

پاییز ۱۴۰۴

۵۰۰

۲۶۰/۰۰۰ تومان

وزیری

ISBN: ۹۷۸-۶۲۲-۱۴۲۷-۱۲-۳ | ۹۷۸-۶۲۲-۱۴۲۷-۱۲-۳



تهران، خیابان حافظ، خیابان شهید سرهنگ سخایی، بعد از تقاطع ۳۰ تیر، شماره ۵۶

تلفن: ۶۶۷۲۵۶۸۲ (۰۲۱)

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مسئولیت مطالب به عهده نویسنده است و لزوماً دیدگاه‌های دانشگاه هنر ایران را منعکس نمی‌کند.

فهرست

۱۸.....	پیشگفتار
۱۸.....	مقدمه کتاب
۲۶.....	فصل اول: کتیبه‌های ماندگار؛ نوشتار بر خاک و سنگ
۲۶.....	مقدمه فصل اول:
۲۹.....	ابزارهای نوشتن
۳۱.....	گِل
۳۱.....	نقش تمدنی و محیطی الواح گلی
۳۱.....	جایگاه گِل در آموزش و انتقال دانش
۳۲.....	سنگ
۳۲.....	شواهد صخره‌ای در عربستان کهن
۳۴.....	بازتاب «نقش بر سنگ» در ادبیات فارسی
۳۵.....	لِخاف (اللِّخاف): سنگ‌پاره‌های سفید در صدر اسلام
۳۵.....	نقش لِخاف در گردآوری قرآن
۳۶.....	تنوع ابزارها و دلالت تمدنی
۳۶.....	نقش آموزشی و تکامل نوشتار
۴۰.....	فصل دوم: ابزارهای خام و ناهمگون؛ از عُسْبِ نخل تا أقتابِ شتر در عصر کهن
۴۰.....	مقدمه فصل دوم
۴۰.....	جغرافیای نوشتار و تکوین میراث
۴۱.....	شاهدی برای وحی: ابزارهای ناگزیر
۴۱.....	گونه‌شناسی پوست و استخوان

۴۲	اهمیت تمدنی و مسیر آینده
۴۳	ورق درخت
۴۳	تنوع جهانی مواد نوشتن در گزارش ابن‌الندیم
۴۴	عَسِيب
۴۴	عسیب در تخیل ادبی عرب جاهلی
۴۵	عُسْب و کَرَانِف در ثبت نخستین آیات قرآن
۴۶	أَقْتَاب (پالان شتر)
۴۶	۱. تعریف و جایگاه مَادَى الْأَقْتَاب
۴۶	۲. الْأَقْتَاب و جمع‌آوری قرآن
۴۶	۳. الْأَقْتَاب و الرَّحَال در شعر جاهلی و فرهنگ سفر
۴۷	۴. رحل و قتب در سنت حدیث‌نویسی
۴۸	۵. قتب در مقایسه با دیگر سطوح نوشتن
۴۸	قباطی
۴۹	قباطی در حدیث و سنت اسلامی
۴۹	قباطی؛ پارچه کعبه و بستر مکتوب‌های نفیس
۵۰	أَدِيم
۵۱	قَضِيم
۵۱	قضیم در ادبیات جاهلی
۵۱	قضیم به‌مثابه حافظه فرهنگی
۵۴	فصل سوم: رَقَّ در تمدن اسلامی؛ بررسی تطوّر ابزارهای نوشتاری و جایگاه آن‌ها در تاریخ.
۵۴	مقدمه فصل سوم :
۵۷	رَقَّ
۵۷	انواع اصطلاحات و جایگاه ادبی رَقَّ
۵۸	رَقَّ در نصّ قرآنی و سنت صدر اسلام
۵۸	استمرار نقش رَقَّ در صدر اسلام
۵۹	کاغذ؛ دگرگونی و تسلط تدریجی
۵۹	ماندگاری رَقَّ در دوران عباسی و کاربردهای تخصصی

- ۶۰..... همزیستی رَقّ و کاغذ در عصر عباسی
- ۶۱..... شأن مذهبی رَقّ در نگارش حدیث
- ۶۱..... قابلیت شست‌وشو و استمرار در تألیف
- ۶۲..... رقابت سلیقه‌ها در استفاده از رَقّ و کاغذ
- ۶۳..... معایب فنی و اقتصادی رَقّ
- ۶۳..... جایگاه فرهنگی رَقّ
- ۶۴..... تأثیر رَقّ بر حفظ میراث و کنار رفتن آن در مشرق
- ۶۵..... برتری رَقّ و پایروس در مغرب اسلامی
- ۶۶..... صنعت تزئین رَقّ در افریقه (تونس)
- ۶۶..... واژه‌شناسی رَق
- ۶۶..... ۱. ریشه‌شناسی: هسته معنایی «نازکی و لطافت»
- ۶۷..... ۲. رَقّ به‌عنوان ماده نوشتاری: صحیفه سفید و پوست نازک
- ۶۸..... ۳. میدان‌های معنایی دیگر: لطافت، بردگی، حیوان و خاک نرم
- ۶۹..... ۴. نسبت «رَقّ» با نوشتن و هنر کتابت
- ۶۹..... واژگان مترادف رَق
- ۷۰..... ۱. مترادف‌های رَقّ در حوزه نوشتار
- ۷۱..... ۲. مترادف «رَقّ» در میدان حیوان‌شناسی
- ۷۲..... «الرَّقّ» در قرآن
- ۷۲..... ۱. معنای لغوی «رَقّ» و نسبت آن با ماده نوشتار
- ۷۳..... ۲. تصویر صحیفه گشوده
- ۷۴..... ۳. مراد از «کتابِ مَسْطُورِ آیهٔ (فِی رَقِّ مَنشُورٍ) (طور: ۳) چیست؟
- ۷۵..... ۴. پیوند «رَقّ» با فرهنگ کتابت و هنر خوشنویسی
- ۷۸..... فصل چهارم: صحیفه؛ نماد وحی، هنر و فرهنگ در تمدن اسلامی.....**
- ۷۸..... مقدمه فصل
- ۸۰..... صحیفه
- ۸۰..... ۱. واژه‌شناسی و مفهوم‌شناسی «صحیفه» و «صُحُف»
- ۸۲..... ۲. «صُحُف» در قرآن کریم: از وحی مکتوب تا صحیفه اعمال

۳.	صحیفه در سنت نبوی و تجربه تاریخی	۸۴
۴.	صحف در شعر جاهلی و صدر اسلام	۸۵
۵.	صحف در منظومه قرآنی و نمادشناسی وحی	۸۶
۶.	صحف و صنایع دستی: از بستر نوشتار تا بوم خلق هنری	۸۷
فصل پنجم: کتاب؛ مفهوم، تحول و جایگاه در تمدن اسلامی		
۹۰.	مقدمه فصل	۹۰
۹۲.	کتاب	۹۲
۹۲.	کتاب در لغت	۹۲
۹۳.	۱. هسته اصلی در منابع لغوی: «ما کُتِبَ مجموعاً»	۹۳
۹۳.	۲. کتاب به عنوان «ظرف نوشتن» و «خود مکتوب»	۹۳
۹۴.	۳. کتاب به عنوان «قرآن، تورات، صحف مجموعه»	۹۴
۹۵.	۴. کتاب؛ فرض، حکم، قدر	۹۵
۹۵.	۵. کتاب و مکاتبه: نوشتار به مثابه قرارداد و سند	۹۵
۹۶.	۶. تفاوت‌های ظریف میان لغویان	۹۶
۹۶.	۷. پیوند مستقیم با هنر خوشنویسی و «کتابت»	۹۶
۹۷.	واژگان مترادف و هم معنای با کتاب	۹۷
۹۸.	۱. واژگان مادی-فیزیکی: «کتاب» به مثابه شیء و ظرف نوشتن	۹۸
۹۸.	۲. واژگان محتوایی-علمی: کتاب به مثابه اثر تألیفی و علمی	۹۸
۹۹.	۳. واژگان ارتباطی-نامه‌نگارانه: کتاب به مثابه پیام و خطاب	۹۹
۹۹.	۴. واژگان حقوقی-سندی: کتاب به مثابه صک، عهد و میثاق	۹۹
۱۰۰.	۵. واژگان دینی-وحيانی و مجموعه‌ای	۱۰۰
۱۰۱.	واژه «کتاب» اشعار	۱۰۱
۱۰۵.	کتاب در قرآن	۱۰۵
۱۰۵.	۱. کتابِ مسطور و کتابِ مکنون: از لوح محفوظ تا صفحه خوشنویس	۱۰۵
۱۰۶.	۲. کتاب به مثابه حجّت و سند: متن مکتوب استدلال	۱۰۶
۱۰۷.	۳. کتابِ اعمال: نوشتن زندگی همچون نوشتن یک متن	۱۰۷
۱۰۸.	۴. کتاب به عنوان مجموع کتب آسمانی و نظام هستی	۱۰۸

۳. لوح محفوظ: از سطح چوبی تا صورت علم الهی ۱۴۳
۴. پیوند نهایی: از لوح چوبی تا لوح محفوظ ۱۴۴
- ویژگی‌های الواح شریعت موسی(ع) در منابع اسلامی ۱۴۵
۱. شمار الواح؛ از دو لوح تا هفت لوح و ده فرمان ۱۴۵
۲. جنس و ماده الواح؛ از سنگ سخت تا زبرجد و سدر بهشتی ۱۴۶
۳. زمان و مکان نزول الواح؛ میقات کوه طور ۱۴۷
۴. محتوا و زبان الواح؛ شریعت مکتوب و زبان قوم ۱۴۸
- سرنوشت الواح موسی(ع) در روایات و تاریخ؛ ۱۵۰
۱. روایت‌های تاریخی درباره سرنوشت مادی الواح ۱۵۰
۲. نقد سندی و محتوایی روایت‌ها؛ میان تاریخ و نماد ۱۵۱
۳. تابوت عهد؛ تداوم مادی لوح شریعت ۱۵۱
۴. نگاه شیعه: الواح به مثابه میراث علمی اهل بیت(ع) ۱۵۲
۵. نتیجه: از سرنوشت شیء مادی تا مسئولیت خواننده امروز ۱۵۳

فصل هشتم: اَسْفار و سِجِلْ؛ کتاب‌های وحیانی، سفر معنوی و اسناد مقدس ۱۵۶

- مقدمه فصل: ۱۵۶
- اَسْفار ۱۵۸
۱. معنای لغوی «اَسْفار» ۱۵۸
- ۱.۱. ریشه مشترک: «کشف و ظهور» به عنوان هسته معنایی ۱۵۹
- ۱.۲. «اَسْفار» به معنای کتاب‌ها؛ به ویژه کتاب‌های بزرگ دینی ۱۵۹
- ۱.۳. «اَسْفار» به معنای سفرها و گروه‌های مسافر ۱۶۰
- ۱.۴. «اَسْفار» و سپیدی روز: از تاریکی تا روشنایی ۱۶۰
- ۱.۵. جایگاه «اَسْفار» در کنار رَقّ، قِرطاس و لوح ۱۶۱
۲. اَسْفار از نگاه قرآن؛ از کتاب‌های بزرگ تا سفرهای زندگی ۱۶۱
- ۲.۱. «اَسْفار» در سوره جمعه؛ کتاب‌های بزرگ و نقد فرهیختگان بی عمل ۱۶۲
- ۲.۲. «اَسْفار» در سوره سبأ؛ سفرها و فاصله‌های راه ۱۶۳
۳. تورات و اَسْفار در نگاه قرآنی؛ از «کتاب آسمانی» تا تجربه زمینی اهل کتاب ۱۶۳
- ۳.۱. تورات در افق آسمانی وحی ۱۶۴

- ۳.۲. تورات در افق زمینی؛ متن در دست اهل کتاب ۱۶۴
- ۳.۳. تورات در شبکه اصطلاحات قرآنی: کتاب، صحف، ألواح، أسفار ۱۶۵
- معنای اصطلاحی «إسفار» ۱۶۶
- اسفار در اصطلاح فقهی ۱۶۷
۱. إسفار در اوقات شرعی و عبادات ۱۶۷
۲. إسفار در احکام پوشش، احرام و شهادت ۱۶۸
- معنای اصطلاحی «أسفار العارفين» ۱۷۰
۱. سفر نخست: از خلق به حق (فناء از غیر خدا) ۱۷۰
۲. سفر دوم: از حق به حق (تحقق و بقاء بالله) ۱۷۰
۳. سفر سوم: از حق به خلق (بازگشت عارف برای ارشاد) ۱۷۱
۴. سفر چهارم: سفر خلق به خلق با معرفت کامل؛ مقام «محمد وقت» ۱۷۱
۵. نفی «حلول» و تبیین نسبت حق و خلق ۱۷۲
- سِجِلّ ۱۷۳
- معنای لغوی «سِجِلّ» ۱۷۳
۱. ساخت و ریشه ۱۷۳
۲. معنای پایه در لغت: کتاب، صَکّ، دفتر ثبت ۱۷۴
۳. معنای فرعی: نویسنده، مرد، نام خاص ۱۷۵
۴. شاخصه‌های معنایی «سِجِلّ» در مقایسه با واژگان نزدیک ۱۷۵
- معنای اصطلاحی «سِجِلّ» ۱۷۷
۱. سِجِلّ در فقه و دستگاه قضایی ۱۷۷
۲. سِجِلّ در حقوق و اسناد مالی ۱۷۸
۳. سِجِلّ در کاربردهای جدید: پرونده و «رکورد» ۱۷۹
- سِجِلّ التَّجَارَة (ثبت تجاری) ۱۷۹
- معنای اصطلاحی «السَّجِّل»: از دلو پر آب تا دفتر حکم قاضی ۱۸۰
۴. نسبت و تفاوت «السَّجِّل» و «السَّجِلّ» ۱۸۲
۵. اشاره کوتاه به «سِجِلّ» ۱۸۲
- سِجِلّ در قرآن ۱۸۳

۱۸۳	۱. گستره معنایی «السَّجِلِّ» در لغت
۱۸۴	۲. «السَّجِلِّ» در قرآن؛ آیه ۱۰۴ سوره انبیاء.....
۱۸۵	۳. دیدگاه‌ها دربارهٔ مراد از «السَّجِلِّ» در آیه
۱۸۶	۴. نسبت «السَّجِلِّ» با «سَجَّيْلٍ» در آیاتِ عذاب
۱۸۷	۵. زمینهٔ مادی «سَجَّيْلٍ» و تناسبِ آن با تصویرِ قرآنی
۱۸۸	نسخه
۱۸۸	نسخه در لغت
۱۹۰	استنساخ در هندسهٔ مفاهیم قرآنی
۱۹۲	جایگاه نسخ در قرآن؛ از ریشهٔ لغوی تا استنساخ اعمال
۱۹۲	۱. ریشهٔ لغوی «نَسَخَ» و نسبت آن با «نُسَخَةٌ» و «استنساخ»
۱۹۲	۲. آیه ۱۰۶ سوره بقره؛ کانون اصطلاحی نسخ
۱۹۳	۳. «نُسَخَتَهَا» در اعراف ۱۵۴؛ نسخه، نه ابطال حکم
۱۹۴	۴. اقسام نسخ در نگاه سنتی
۱۹۴	۵. حکمت و کارکردِ نسخ در شریعت
۱۹۵	۶. استنساخ اعمال در قرآن
۱۹۸	فصل نهم: تمدنِ قرطاس؛ میراثِ مصر و جهانِ اسلام در فرهنگِ نوشتار
۱۹۸	مقدمه
۲۰۱	قرطاس
۲۰۱	ماهیت قرطاس
۲۰۲	بردی و صنعتِ قرطاس
۲۰۲	ساختار و شیوهٔ تولیدِ بردی
۲۰۳	نقش مصر در صادراتِ بردی
۲۰۳	بردی در صِقْلِيَّه
۲۰۴	بردی و کاربردِ قرطاس در صدر اسلام
۲۰۴	قرطاس در آغاز خلافت
۲۰۴	کاربرد قرطاس در مکاتبات صحابه
۲۰۴	گسترش کاربردِ قرطاس در عصر اموی

- ۲۰۶..... رواج قرطیس بردی در عصر اموی و آغاز عصر عباسی
- ۲۰۷..... قرطاس در زندگی آموزشی و اداری در عصر عباسی
- ۲۰۷..... رواج گسترده قرطیس و تأثیر آن بر ساختار شهری بغداد
- ۲۰۸..... روشنگری سامعانی درباره ماهیت این گذرگاه
- ۲۰۸..... نمونه روشن: فقر شافعی در کودکی
- ۲۰۹..... نمونه دیگر: ابن جریج
- ۲۰۹..... عذرخواهی کاتبان از کمبود قرطیس
- ۲۱۱..... بردی صقلیه و جایگاه آن در سنت‌های نوشتاری اسلامی
- ۲۱۲..... تداوم و افول صنعت بردی در مصر
- ۲۱۳..... ورود کاغذ و پایان عصر قرطاس
- ۲۱۴..... واژه‌شناسی «قرطاس»
- ۲۱۴..... ۱. هسته معنایی: «صحیفه‌ای که بر آن می‌نویسند»
- ۲۱۴..... ۲. ماده و خاستگاه: از بردی مصری تا هر برگه نوشتنی
- ۲۱۵..... ۳. تنوع صیغه‌ها: قرطاس، قُرطاس، قَرطاس، قَرطَس . . .
- ۲۱۵..... ۴. توسعه معنایی: از کاغذ تا هدف تیر و رنگ حیوان
- ۲۱۶..... ۵. قرطاس در قرآن و نسبت آن با «کتاب»
- ۲۱۷..... ۶. جمع‌بندی معنایی: قرطاس، چهره مادی نوشتار
- ۲۱۷..... ۷. واژگان مترادف و هم‌خانواده با «قرطاس»
- ۲۱۹..... ۸. دو نکته اصطلاحی: تفاوت «قرطاس»، «طرس» و «کاغذ»
- ۲۱۹..... قرطاس در قرآن
- ۲۲۰..... ۱. «قرطاس» در قرآن: سطحی که نوشتن را به عینیت تبدیل می‌کند
- ۲۲۰..... ۲. تصویر حسی: دیدن و لمس کردن کتاب مکتوب
- ۲۲۱..... ۳. سبب نزول و معنای اعتقادی: لجاجت فراتر از دلیل و معجزه
- ۲۲۱..... ۴. نکته کلامی: اصل «لطف» و این که چرا چنین قرطاسی نازل نشد؟
- ۲۲۲..... ۵. نسبت «قرطاس» با فرهنگ نوشتار و هنر خوشنویسی
- ۲۲۳..... بازتاب قرطاس (بردی) در شعر عربی
- ۲۲۸..... فصل دهم: انقلاب کاغذ و شکوفایی تمدن اسلامی

۲۲۸.....	مقدمه فصل
۲۳۱.....	ورق یا کاغذ
۲۳۲.....	ارتباط عرب با صنعت کاغذ چینی و انتقال آن به سرزمین‌های اسلامی
۲۳۲.....	۱. آغاز آشنایی مسلمانان با کاغذ چینی
۲۳۲.....	۲. سمرقند و برتری کاغذ آن
۲۳۲.....	۳. چگونگی انتقال فن کاغذسازی از چین به سمرقند
۲۳۳.....	۴. نبرد طراز و نقش آن در تثبیت صنعت کاغذسازی
۲۳۳.....	تقویت صنعت کاغذسازی در سمرقند و گسترش شهرت کاغذ سمرقندی
۲۳۳.....	۱. نقش اسیران چینی در انتقال فن کاغذسازی
۲۳۳.....	۲. تأیید روایت انتقال صنعت کاغذسازی در منابع جغرافیایی
۲۳۴.....	۳. جایگاه ممتاز کاغذ سمرقندی در نگاه مؤلفان مسلمان
۲۳۴.....	مواد اولیه و شیوه‌های ساخت کاغذ در تمدن اسلامی
۲۳۴.....	۱. فقر داده‌های فنی در منابع کهن
۲۳۵.....	۲. مواد اولیه ساخت کاغذ
۲۳۵.....	۳. معیارهای «کاغذ خوب» از نگاه قلّشندی
۲۳۶.....	۴. پیدایش انواع کاغذ و نقش مواد اولیه
۲۳۶.....	۵. انواع نام‌دار کاغذ و پیوند آن با امیران و کارگاه‌ها
۲۳۸.....	۶. تنوع منطقه‌ای و شخصی در نام‌گذاری کاغذ
۲۳۹.....	۷. کاغذ در سنت اداری و کتابخانه‌ای
۲۴۱.....	مقادیر و قطع‌های کاغذ در دستگاه دیوانی مصر مملوکی
۲۴۱.....	۱. قطعۀ بغدادی کامل
۲۴۱.....	۲. قطعۀ بغدادی ناقص
۲۴۱.....	۳. قطعۀ «دوسوم» (ثلثین) از کاغذ مصری
۲۴۱.....	۴. قطعۀ «نصف»
۲۴۲.....	۵. قطعۀ «ثلث»
۲۴۲.....	۶. قطعۀ منصور (قطع مشهور)
۲۴۲.....	۷. قطعۀ کوچک یا «قطعۀ عادت»

۲۴۲	۸. قطعه شامی کامل
۲۴۲	۹. قطعه کوچک شامی (ورق الطیر)
۲۴۲	اندازه‌ها و قطع‌های کاغذ در دیوان‌های اداری شام
۲۴۴	مراکز تولید کاغذ در جهان اسلام
۲۴۴	ورود صنعت کاغذ به بغداد و جایگزینی آن با رَق
۲۴۵	مراکز ساخت و فروش کاغذ در بغداد
۲۴۶	ویژگی‌ها و رواج کاغذ بغدادی
۲۴۷	انتقال صنعت کاغذ از عراق به شام و شکوفایی آن در طرابلس و دمشق
۲۴۸	گسترش صنعت کاغذ در مصر و برتری فسطاط بر دیگر مراکز
۲۴۹	توصیف «الورق المصری» در منابع کهن
۲۵۱	گسترش صنعت کاغذ از مشرق تا مغرب و سپس اروپا
۲۵۱	۱. گسترش در مغرب اسلامی
۲۵۱	۲. نقش صقلیه در انتقال کاغذ به اروپا
۲۵۱	۳. شاطِبه؛ شکوفاترین مرکز کاغذسازی اندلس
۲۵۲	۴. حضور کاغذ منصوری در اندلس
۲۵۲	۵. مسیر کلی انتقال از چین تا اروپا
۲۵۲	ارزیابی قلقلشندی از کاغذ مغرب و فرنگ
۲۵۳	صنعت کاغذسازی در ایران و نقش آن در جهان اسلام
۲۵۵	آداب صنعت کاغذسازی و اخلاق حرفه‌ای ورآقان
۲۵۵	۱. پرهیز از غش و تقلب در معاملات کاغذ
۲۵۵	۲. آداب حضور در کارگاه و نگهداری حرمت
۲۵۶	۳. بازیافت کاغذهای نوشته‌شده و حرمت متون مقدس
۲۵۶	۴. پیوند اخلاق بازار و صنعت کاغذ
۲۵۷	خاتمه: از سنگ تا کاغذ؛ از لوح تا کتابخانه
۲۶۸	فهرست منابع:

پیشگفتار

فرهنگ مکتوب اسلامی، تنها مجموعه‌ای از کتاب‌ها و نسخه‌ها نیست؛ بلکه شبکه‌ای گسترده از مفاهیم، مواد، سنت‌ها و فناوری‌هاست که در بستر تاریخ شکل گرفته و حافظه معرفتی یک امت را ساخته است. گرچه طی دهه‌های گذشته پژوهش‌های فراوانی درباره تاریخ علم، نسخه‌شناسی، کتابخانه‌ها و هنرهای کتابی انجام شده است، اما «بنیادهای مادی کتابت» همچنان بخشی کم‌پژوهیده و گاه مهجور مانده است. این کتاب می‌کوشد نشان دهد که فهم فرهنگ مکتوب اسلامی بدون شناخت مواد، ابزار و مفاهیم کتابت، تصویری نارسا از تمدن اسلامی به دست می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های این پژوهش، توجه دوباره به جایگاه قرآن و زبان وحی در صورت‌بندی فرهنگ مکتوب است. قرآن کریم، برای بیان عمیق‌ترین معانی الهی و هستی‌شناختی، از واژگانی بهره می‌گیرد که مستقیماً با ماده و سطح نوشتن پیوند دارند: «کتاب»، «قِرطاس»، «سِجِلٌّ»، «صُحُفٌ»، «رَقٌّ منشور»، «کتاب مسطور»، «لوح محفوظ»، «کتاب مکنون» و... این واژگان، تنها اشاره به اشیای مادی نیستند، بلکه حامل شبکه‌ای از معانی تشریحی، بلاغی و معرفتی‌اند. همین پیوند میان ماده و معنا، ضرورت پژوهش درباره «بنیادهای مادی کتابت» را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که تمدن اسلامی از آغاز پیدایش خود، نوشتن و ابزار نوشتن را نه امری فنی، بلکه بخشی از صورت‌بندی جهان‌بینی دینی می‌دانسته است.

اهمیت این موضوع هنگامی آشکارتر می‌شود که می‌بینیم در دهه‌های اخیر، برخی محققان غربی و شرق‌شناسان آشنا با مطالعات اسلامی، بخش مهمی از پژوهش‌های خود را بر واژگان قرآنی و مواد کتابت متمرکز کرده‌اند، و یافته‌های خود را در اختیار مراکز علمی قرار داده‌اند. با وجود این، هنوز در فضای دانشگاهی ما خلأی جدی درباره شناخت دقیق این مفاهیم دیده می‌شود. بسیاری از واژگان مرتبط با مواد نوشتاری، از لِحَاف و عُسْب تا قِباطی، قِصِیم، اَقْتَاب، رَقٌّ و طِرْس، نیازمند بازخوانی دقیق

در منابع اصیل هستند. این کتاب تلاشی است برای برداشتن گامی در این مسیر و دعوتی برای پژوهش‌های عمیق‌تر در مراکز علمی و دانشگاهی.

روش پژوهش در این کتاب بر چهار پایه بنا شده است که هر یک نقش مهمی در تبیین موضوع دارند: در گام نخست، پژوهش بر قرآن کریم و مجموعه‌ای از تفاسیر معتبر اهل سنت و شیعه تکیه دارد: طبری، زمخشری، فخر رازی، طبرسی، قرطبی، بیضاوی، آلوسی، رشید رضا و دیگر آثار اصیل که هر یک لایه‌ای از معنای واژگان مادی کتابت را روشن می‌سازند.

در کنار تفاسیر، میراث حدیثی - همچون صحیحین، سنن، نهج البلاغه، کتب اربعه و مجموعه‌های ادعیه - نشان می‌دهد که چگونه زبان دینی، مفهوم ماده نوشتن را وارد حوزه معنا و قداست کرده است. این منابع، ستون اصلی تحلیل‌های این کتاب‌اند و چارچوب معنایی پژوهش را شکل می‌دهند. گام دوم پژوهش، تکیه بر میراث عظیم لغت‌شناسی و تاریخ‌نگاری اسلامی است.

آثاری مانند العین خلیل بن احمد، تهذیب اللغة، لسان العرب، تاج العروس، المحيط، إصلاح المنطق، الفهرست، صحیح الأعشى، معجم البلدان، المواعظ والاعتبار و ده‌ها منبع دیگر، شبکه‌ای گسترده از اطلاعات درباره ماهیت مواد نوشتاری و کاربرد آن‌ها در دوره‌های مختلف ارائه می‌کنند. این منابع نشان می‌دهند که یک «ماده نوشتاری»، هم ریشه لغوی دارد، هم معنای تاریخی و هم بار فرهنگی. رویکرد این کتاب آن است که این لایه‌های سه‌گانه را از هم جدا نکند و معنای واژه را در بستر تاریخی آن بخواند.

در گام سوم، پژوهش به مطالعات نوین علوم انسانی، باستان‌شناسی، تاریخ فناوری، تاریخ کتاب، علم مواد و پژوهش‌های مادی متن رجوع می‌کند.

مقالات معتبر در حوزه‌های کاغذشناسی، مواد کتابی، تاریخ صنعت رَق، رنگ‌سنجی نسخه‌ها، گیاه‌شناسی مواد اولیه و مطالعات کارگاه‌های کاغذسازی، افق‌هایی تازه برای فهم مواد نوشتاری گشوده‌اند.

این کتاب، یافته‌های معتبر این حوزه‌ها را با منابع اسلامی تطبیق می‌دهد تا تصویری جامع‌تر و منقح‌تر از سیر تحول مواد کتابت ارائه شود.

روش چهارم، که شالوده تحلیل‌های کتاب است، رویکردی ترکیبی از لغت‌شناسی تاریخی، معناشناسی و تاریخ اجتماعی ماده است.

در این رویکرد، هر ماده نوشتن از سنگ و لِخاف تا رَق و قرطاس نه صرفاً یک شیء، بلکه یک «نهاد فرهنگی» تلقی می‌شود که دارای تاریخ، زبان، معنا و نقش اجتماعی است. معنا در لغت، بدون تاریخ

آن ناقص است؛ و تاریخ بدون ریشه لغوی فهم نمی‌شود. از همین رو، معناشناسی واژگان قرآن و معاجم عربی در کنار داده‌های تاریخی و تحولات تمدنی خوانده شده است.

هدف نهایی کتاب آن است که تصویری جامع از جهان مادی کتابت در تمدن اسلامی ارائه دهد؛ جهانی که تاکنون بیشتر در سایه مباحث نسخه‌شناسی، هنر کتاب یا تاریخ اداری قرار داشته است. این اثر می‌خواهد نشان دهد که مواد و ابزار نوشتن، از نخستین لایه‌های شکل‌دهنده فرهنگ اسلامی بوده‌اند؛ و هر پژوهش جدی در علوم قرآنی، تاریخ اسلام، هنرهای کتابی یا مطالعات تمدنی، ناگزیر باید به این بنیان‌های مادی توجه کند.

این کتاب دعوتی است به نقد، تکمیل و پژوهش‌های تازه. امید آن است که پژوهشگران جوان، با مراجعه به منابع اصیل و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی معاصر، بتوانند این مسیر را روشن‌تر ادامه دهند؛ که جهان نوشتار اسلامی، همچون کلمات الهی، پایان‌پذیر نیست و هر ورق، آغازی است برای کشف افقی تازه.

در نگاه نخست، نوشتن و ابزار آن امری بدیهی و روزمره به نظر می‌رسد؛ قلم و کاغذ و دفتر، تخته و خودکار و صفحه‌نمایش. اما اگر پرده‌ی عادت را کنار بزنیم و به تاریخ اسلام و جهان‌های پیش از آن چشم بدوزیم، روشن می‌شود که آن چه ما امروز «نوشت‌افزار» می‌نامیم، در حقیقت در متن شکل‌گیری تمدن‌ها و صورت‌بندی ایمان و دانش و قدرت نشسته است. گل و سنگ و چوب، پوست و پاپیروس و کاغذ، رَق و قرطاس و طِرُس، تنها مواد خامی برای ثبت سخن نبوده‌اند؛ بلکه هر یک، «افق خاصی از نوشتن» را ممکن کرده‌اند و به‌همین سبب، در شکل‌گیری فرهنگ مکتوب اسلامی نقش بنیانی داشته‌اند.

قرآن کریم و متون اولیه‌ی اسلامی، برای سخن‌گفتن از وحی و قضا و قدر و حافظه‌ی اعمال، همواره از واژگانی بهره می‌گیرند که ریشه در جهان مادی کتابت دارند (کِتَابِ مَسْطُورِی، ﴿فِی رَقٍّ مَنشُورِ﴾، «صُحُفٌ»، «زبور»، «أسفار»، «سِجِلٌّ»، «لوح محفوظ»، «کتاب مکنون». این تعبیرها، تنها اشاره به شیئی فیزیکی نیستند؛ بلکه در عین مادیت، حامل لایه‌ای متافیزیکی نیز هستند و میان «صفحه‌ی سپید» و «سرنوشت مکتوب»، میان «کتیبه‌ی سنگی» و «کتاب اعمال»، پلی معنایی می‌سازند. در پرتو این‌هم‌نشینی، روشن می‌شود که برای فهم عمیق فرهنگ اسلامی، نمی‌توان از کنار مواد و سطوح نوشتن این بنیادهای مادی کتابت بی‌تفاوت گذشت.

کتاب **کتیبه‌های ماندگار: بنیادهای مادی کتابت و فرهنگ مکتوب در تمدن اسلامی** به همین نقطه‌ی به ظاهر حاشیه‌ای اما در واقع محوری بازمی‌گردد. مسئله‌ی اصلی این پژوهش آن است که نشان دهد «چه‌گونه ماده، صورت معنای را جهت می‌دهد»؛ چگونه تفاوت میان لوح سنگی و ورق نازک کاغذ، میان رَق شستنی و طِرُس چندباره‌نویس، میان بردی مصری و کاغذ سمرقندی، تنها تفاوتی فنی یا اقتصادی نیست، بلکه در عمق خود، بر شیوه‌ی حافظه‌سازی، تدوین دانش، سازمان دیوانی و حتی صورت تجربه‌ی دینی اثر می‌گذارد.

از این منظر، «کتیبه‌های ماندگار» تنها آن چیزی نیست که بر دیوار مسجدی کهن، بر کتیبه‌ی قبری، یا بر محراب یک مدرسه‌ی تاریخی نقش بسته است؛ هر صفحه‌ی رَق، هر صفحه‌ی قرآن، هر طِرُس

شسته‌شده و هر ورق کاغذی که سطرهای دانش را بر خود حمل می‌کند، خود «کتیبه‌ای» است که میان زمین و آسمان، میان متن و تاریخ، میان فرد و امت، نسبتی تازه می‌آفریند.

۱. از سنگ تا کاغذ: افق‌های مادی یک فرهنگ مکتوب

یکی از نقطه‌های عزیمت این کتاب، توجه به تنوع خیره‌کننده مواد نوشتاری در جغرافیای جهان اسلام است. پیش از آن‌که کاغذ چینی از مسیر سمرقند و بغداد در سراسر قلمرو اسلامی رواج یابد، تمدن‌های پیرامونی و سپس خود مسلمانان، از طیف وسیعی از سطوح و ابزار بهره می‌گرفتند:

از الواح گلی و مهرهای استوانه‌ای تمدن‌های میان‌رودان و ایران باستان، تا سنگ‌نوشته‌ها و صخره‌نگاره‌های حجاز و شام؛

از لُخاف سفید و عُسبِ نخل و اُقتابِ شتر در صدر اسلام، تا قباطی و منسوجات، اَدیم و قِصیم و رَقّ؛ از قرطاس و بردی مصری، تا کاغذهای بغدادی و شامی و مصری و سمرقندی.

هر یک از این مواد، مقتضیات جغرافیایی و اقتصادی و فنی خاص خود را دارد، اما در عین حال، نوع «نوشتن» و «خواندن» را نیز شکل می‌دهد: سنگ، نوشتاری را می‌طلبد که از دور خوانده شود و در برابر زمان و باد و باران تاب بیاورد؛ رَقّ، امکان شست‌وشو و بازنویسی و طُرُس شدن را فراهم می‌کند و از این راه، تاریخ پرفشار تولید دانش را بازتاب می‌دهد؛ کاغذ، با سبکی و ارزانی خود، انفجارِ تألیف و تکثیر نسخه‌ها را ممکن می‌سازد و شبکه‌ای بی‌سابقه از مکاتبات و مبادلات علمی را شکل می‌دهد.

این کتاب می‌کوشد نشان دهد که سیر گذار از سنگ و گِل و استخوان و برگ، به رَقّ و بردی و قرطاس، و سپس به کاغذ، صرفاً داستان «پیشرفت تکنیکی» نیست؛ بلکه بازتاب تغییری عمیق در فهم انسان مسلمان از خود، از دیگری، از زمان و از متن مقدس است.

۲. ماده و معنا: واژگان کتابت در آینه لغت و وحی

لایه دوم بحث، به زبان و مفهوم بازمی‌گردد. واژه‌هایی مانند «رَقّ»، «صحیفه»، «کتاب»، «زبور»، «أسفار»، «سِجِلّ»، «لوح» و «قرطاس»، تنها نام‌هایی برای اشیای ملموس نیستند؛ هر یک در معاجم

کهن، دیوان‌های شعر، تفاسیر و احادیث، شبکه‌ای از دلالت‌ها و استعاره‌ها را با خود حمل می‌کنند.

«رَقّ» از هسته معنایی نازکی و لطافت، به پوست نازک سفید نوشتنی می‌رسد؛ «کتاب» در عین آن‌که به هر متن مکتوب اطلاق می‌شود، در ساحت شرعی، با «حکم» و «فرض» و «قَدَر» گره می‌خورد؛ «سِجِلّ» هم دفتر قضایی و ثبت رسمی است، هم در تصویر قرآنی، طوماری است که آسمان‌ها در قیامت بدان پیچیده می‌شوند؛ «صحف» و «صحائف» هم بر صفحات مادی دلالت دارند، هم بر صحیفه‌های وحیانی، هم بر دعا و مناجات.

در این کتاب، واژه‌ها از سطح تعریف‌های قاموسی فراتر می‌روند و در نسبت با جهان مادی خود با سنگ و رَقّ و کاغذ خوانده می‌شوند. پرسش محوری این است که: چگونه زبان وحی و ادبیات اسلامی، ماده را استعاره معنا می‌کند و چگونه شناخت لایه‌های لغوی، ما را به فهمی دقیق‌تر از نسبت «نوشتن»

و «قداست»، «ثبت» و «مسئولیت»، «کتاب» و «کتابت» می‌رساند؟

۳. فرهنگ مکتوب اسلامی: از دیوان‌ها تا مصاحف مُزین

ساحت سوم پژوهش، فرهنگ مکتوب اسلامی را به‌مثابه یک کل در نظر می‌گیرد؛ شبکه‌ای از دیوان‌ها و مدارس، کتابخانه‌ها و دارالکتب‌ها، کارگاه‌های کاغذسازی و جلدسازی، و حلقه‌های قرائت و اجازه و استنساخ. در این افق، «بنیادهای مادی کتابت» دیگر فقط موضوعی فنی برای نسخه‌شناس یا مؤرخ هنر نیستند؛ بلکه جزئی از سازوکار تولید و توزیع و کنترل دانش‌اند.

این کتاب، در فصل‌های مختلف خود، از جایگاه مواد و ابزار نوشتن در شکل‌گیری دیوان‌های اداری، مکاتبات رسمی، صُکوک و اسناد مالی، و نیز در تولید و تزیین مصاحف و کتب علمی، سخن می‌گوید؛ به تفاوت‌های کیفی کاغذهای مناطق مختلف، به شأن مذهبی و آیینی رَقّ در نگارش حدیث و قرآن، به صنعت تزیین و رنگ‌آمیزی رَفُوق در مغرب و افریقه، و به همزیستی گاه آرام و گاه پرتنش رَقّ و کاغذ در سده‌های میانه اسلامی می‌پردازد.

هدف این است که خواننده، در نهایت، بتواند نقشه‌ای نسبتاً منسجم از «فرهنگ مکتوب» در تمدن اسلامی ترسیم کند؛ نقشه‌ای که در آن، مواد و سطوح نوشتن، واژگان و مفاهیم، و ساختارهای اجتماعی و دینی تولید متن، بر هم منطبق شوند و «کتیبه‌های ماندگار» راه، نه به‌عنوان اشیای منفرد، بلکه به‌مثابه شبکه‌ای زنده و پویا ببیند.

۴. این کتاب برای چه کسی است و چه نمی‌خواهد باشد؟

این اثر، در وهله نخست، برای پژوهشگران و دانشجویان حوزه‌های الهیات، مطالعات قرآنی، تاریخ اسلام، نسخه‌شناسی، هنرهای اسلامی و نیز علاقه‌مندان به تاریخ اندیشه و فرهنگ مادی نوشته شده است؛ اما می‌کوشد زبان خود را تا حد امکان روشن و نظام‌مند نگاه دارد تا خواننده جدی غیرمتخصص نیز بتواند با آن همراه شود.

در عین حال، این کتاب نه می‌خواهد جایگزین تحقیقات جزئی و تخصصی در باب هر یک از مواد و ابزار نوشتاری شود، و نه مدعی است که آخرین کلمه را در باب تاریخ کاغذ یا رَقّ یا قرطاس گفته است. آنچه در پی آن است، گشودن چشم‌اندازی کلان است که در آن، این پژوهش‌های جزئی و فنی، جای خود را در یک روایت بزرگ‌تر از «بنیادهای مادی کتابت و فرهنگ مکتوب در تمدن اسلامی» پیدا کنند.

اگر کتیبه‌های ماندگار» بتواند خواننده را به این تأمل وادارد که گِل و سنگ و رَقّ و قرطاس و کاغذ، همه، در عین مادیت، حامل معنایی فراتر از خودند؛ اگر بتواند او را به بازخوانی دوباره آیات و اخبار و کتیبه‌ها و نسخه‌ها از منظر ماده و سطح نوشتن فرا بخواند؛ و اگر بتواند او را به ادامه این جست‌وجو در افق‌های تازه‌تر تشویق کند، به یکی از مهم‌ترین هدف‌های خود دست یافته است.

جهان نوشتار در این تمدن، همان‌گونه که خود قرآن یادآور می‌شود، جهانی است که: اگر همه درختان زمین قلم شوند و همه دریاها مرکب، باز هم کلمات از جریان باز نمی‌ایستند. این کتاب، تنها تلاشی

است کوچک برای بازخوانی آن چه بر برخی از این درختان و دریاها گذشته است؛ روایتی از ماده‌هایی که بر دوش خود، خاطرهٔ یک جهان مکتوب را حمل می‌کنند.

۵. سپاسگزاری و یادکرد یاریگران

در فرایند نگارش این اثر، از آگاهی‌ها، نقدها و محبت‌های بسیاری بهره‌مند بوده‌ام. از استادان و همکاران دانشگاهی در حوزه‌های الهیات، زبان و ادبیات عربی، تاریخ اسلام و هنرهای اسلامی که با پیشنهاد منابع، تذکرات روشی و نقدهای دلسوزانه مسیر این پژوهش را روشن‌تر کردند، صمیمانه سپاسگزارم. دانشجویان عزیزم، چه در کلاس‌های درس و چه در جلسات گفت‌وگوی علمی، با پرسش‌های دقیق و گاه چالش‌برانگیز خود، مرا به بازاندیشی در بسیاری از بدیهیات واداشتند و بسیاری از ایده‌های این اثر، در گفت‌وگو با آنان شکل گرفت.

در مرحلهٔ تنظیم نهایی فصل‌ها، ویرایش زبان و یک‌دست‌سازی سبک و ساختار، از برخی ابزارهای هوش مصنوعی زبانی نیز به‌عنوان دستیار فنی بهره برده‌ام. این ابزارها در سامان‌دهی پارای از جملات، هماهنگ‌سازی اصطلاحات و تنظیم ساختار فهرست‌ها یاری‌رسان بودند؛ اما انتخاب موضوع‌ها، گردآوری و گزینش منابع، تحلیل‌ها و داورهای نهایی، همگی به‌عهدهٔ نگارنده بوده است و هر لغزش و نقصی که در این اثر دیده شود، بی‌هیچ تردیدی از من است، نه از هیچ ابزار دیگری.

در پایان، مایلم مراتب سپاس و قدردانی خود را از جناب آقای دکتر مریدی، رئیس محترم ادارهٔ انتشارات دانشگاه هنر، سرکار خانم حیدری، کارشناس مسئول این اداره، اعضای محترم شورای انتشارات دانشگاه هنر ایران و داوران ارجمند که با تلاش و اهتمام خود انتشار این اثر را میسر ساختند، ابراز نمایم. همچنین، از جناب آقای مهدی نصیری تشکر ویژه‌ای دارم که با تلاش ارزشمند و پیشنهادهای سازندهٔ خود در فرایند نگارش و تکمیل این اثر، به غنای آن افزودند و در بهره‌گیری از ابزارهای هوش مصنوعی برای طراحی گرافیک و ویراستاری کتاب، همکاری مؤثری داشتند.

بزرگ‌ترین سهم این نوشته، البته از آن خانواده‌ام است؛ از همسرم که با صبر و مهربانی پیوسته، بار غیبت‌ها و مشغله‌های پژوهشی را بر دوش کشید و خانه را به پناهگاهی امن برای خواندن و نوشتن بدل کرد؛ و از فرزندانم که با شادی و حضور خود، خستگی کار را از دل من برداشتند و به این مسیر خشک اسناد و نسخه‌ها، رنگی از زندگی بخشیدند. این سطور، در باطن، بیش از آن‌که به نام من باشد، یادگاری است از همراهی و بردباری آنان. اگر کتیبه‌های ماندگار: بنیادهای مادی کتابت و فرهنگ مکتوب در تمدن اسلامی بتواند خواننده را به تأملی دوباره در ابزارهای نوشتن و سطوح نوشتار در فرهنگ اسلامی فرابخواند و نشان دهد که گل و سنگ و رِق و قرطاس و ورق، همه، در عین مادّیت، حامل معنایی فراتر از خودند، به یکی از هدف‌های اصلی خود رسیده است. آن‌چه پیش رو دارید، طرحی بسته و نهایی نیست؛ دعوتی است به ادامهٔ جست‌وجو. امید است پژوهشگران و دانشجویان این حوزه با نقد و تکمیل و افزودن شواهد و آفاق تازه، نقشهٔ «نوشت‌افزار و فرهنگ مکتوب اسلامی» را در چارچوب کلی این کتاب وسیع‌تر و دقیق‌تر کنند؛ که جهان نوشتار در این تمدن، همانند کلمات الهی، نه با یک قلم و یک کتاب، که با هزاران قلم و کتاب هم به پایان نمی‌رسد.